

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نکاتی پیرامون شب قدر

امیدواریم ان شاء الله در شب گذشته که شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان بود و موفق به احیا و مناجات با خدای تبارک و تعالی شدید، ان شاء الله خداوند مقدرات بسیار خوب و مهمی را برای جامعه مسلمین، برای شیعه، برای حوزه‌های علمیه و برای هر یک از ما طلاب تعیین فرموده باشد و به امضای مبارک امام زمان علیه السلام رسیده باشد.

بر حسب بعضی از روایات روز بعد از ليله قدر هم همان ارزش ليله قدر را دارد، اگر کسی کمتر توجه کرده یا ممکن است به بعضی از امور توجه شایانی نداشته، ان شاء الله در چنین روزی که روز بیست و سوم است این مطلب را مورد توجه قرار بدهید و به همه چیز دعا کنید، در رأس دعاها قدرت اسلام و قدرت شیعه باید باشد، در رأس دعاها حفظ این نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد، حفظ حوزه‌های علمیه باشد.

اهمیت و جایگاه فقه

این روزها می‌بینیم که چقدر حملات به حوزه‌های علمیه مخصوصاً فقه زیاد شده و عجیب این است که محور کار را حمله به فقه و فقها و فقاها قرار دادند، حتی در یکی از این صحبت‌ها حرف از مرگ فقه را مطرح کردند که من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم اما این حملات وجود دارد. فقه اساس حیات دینی جامعه است و با بودن فقه جامعه می‌تواند به آن جامعه مورد نظر اسلام برسد، بدون فقه امکان ندارد انسان به آن هدف برسد. این نسبی که می‌دهند که فقه امروز حوزه‌های علمیه همان فقه قبل از انقلاب و چند صد سال قبل است این هم نسبت ناروایی است، ناشی از بی‌اطلاعی و ناشی از غرض‌ورزی است فقه خیلی رشد است و امروز در همه ابعاد جامعه جاری شده و یکی از علل مخالفت همین است.

همین قضیه کرونا که به وجود آمد در همین حوزه علمیه قم، مسئله فقه این بیماری‌های مسری مطرح شد ولو دیگران بعداً دنبال کردند و الآن هم دنبال می‌شود این یک بیماری جهانی است که کل دنیا گرفتارش است، اما این احکام خاص خودش را هم از جهت فقهی دارد، این قدرت فقه ماست که به میدان می‌آید و ملاحظه کردید چقدر مسئله مطرح است، از حیث فردی، تکلیفی، اجتماعی، وضعی، حکومت، مسئولیتی که مسئولین نظام در مقابل چنین بیماری‌هایی دارند، از حیث خود فقه اجتماعی، مسئولیتی که جامعه در مقابل چنین حوادثی دارد، فقه ما به خوبی می‌تواند از عهده اینها بر آید و بزرگان بحمدالله بیان کردند و مشغول تحقیق در این مباحث هستند.

چطور ما می‌توانیم بگوئیم فقه مُرده؟! مگر مرگ فقاها امکان دارد؟ اینها تعبیراتی است که عرض کردم یا ناشی از بی‌اطلاعی است یا خدای ناکرده اغراض دیگری است یا البته گاهی اوقات ناشی از ضعف تحلیل هم می‌شود؛ یعنی بعضی‌ها قدرت تحلیل

ندارند. این همه معاملاتی که امروز در دنیا به وجود می‌آید نیاز به فقه دارد، فقه باید احکام اینها را بیان کند، این همه مسائل پزشکی، این همه مسائل قضایی، این همه مسائل اجتماعی، این همه مسائل مختلفی که در ابعاد مختلف وجود دارد.

واقعاً به فقه اهتمام ویژه بدهید و واقعاً هم باید تشکر کنیم؛ چرا که من سال‌های زیادی را ماه مبارک رمضان موفق به بحث بودم اما امسال برای اولین سال است که روز بیست و سوم ما بحث داریم، این اهتمام به فقه است و ارزش دارد.

من این خاطره را هم عرض کنم که ببینید ائمه معصومین علیهم السلام، البته نیاز به ذکر خواب هم نیست! امام صادق(علیه السلام) عمر امامت خودش را در بیان فقه سپری کرد، امام باقر علیه السلام همینطور، ائمه‌ی دیگر عمده کارشان این بود که احکام را تحکیم کنند، تنظیم کنند و مخصوصاً روی آن مبنایی که ما عرض کردیم که مسئله مشرّع بودن است که این مسئله مشرّع بودن خیلی بحث مهم و اثرگذاری است.

یک وقتی به نظرم در بعضی از بحث‌ها گفتم، وقتی خدمت یکی از ائمه(علیهم السلام) می‌رسند و سؤال می‌کنند که ثواب زیارت امام حسین علیه السلام چیست؟ حضرت اول می‌فرماید: برای هر قدم آن یک حج عمره، بعد می‌فرماید ده حج عمره، بعد می‌فرماید صد حج عمره، من نقل به معنا می‌کنم. به نظرم هزار حج و هزار عمره هم آمده. اینها به نظر می‌رسد؛ یعنی تحقیق این است که اینها نه اینکه دارند اخبار می‌کنند که این چنین است، بلکه آنچه ایشان می‌گویند خدای تبارک و تعالی بر اساس همان تقدیر می‌کند.

باز یک روایتی را دیشب جناب حجّت الاسلام و المسلمین انصاریان در تلویزیون می‌خواندند و استفاده می‌کردم، روایتی را ایشان می‌خواندند که دیدم این هم بر همین مبناست. وجود مبارک پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مورد توبه فرمودند: اگر کسی یک سال قبل از فوتش توبه کند می‌گوئیم همه گناهانش بخشیده می‌شود. بعد فرمودند این زیاد است، یک ماه قبل از فوتش، بعد فرمودند این هم زیاد است، یک روز قبل از فوت، بعد فرمودند این هم زیاد است، یک ساعت قبل از فوتش! حالا بر اساس آنچه که ایشان نقل می‌کرد به نظرم از نوادر راوندی نقل می‌کرد.

اینکه پیامبر(صلی الله علیه و آله) از سال شروع می‌کند دو احتمال دارد:

1. اول این که می‌خواهد اخبار کند از آنچه خدای تبارک و تعالی به او رسیده که این خیلی خلاف ظاهر است.

2. ظاهر بیان، اخبار نیست بلکه ظاهرش این است که خود پیامبر(صلی الله علیه و آله) این را انشاء می‌کند؛ یعنی دایره تشریع فقط بحث احکام نیست، بلکه در این مسئله ثواب زیارت را نیز شامل می‌شود. این روایاتی که مخصوصاً در کامل الزیارات در مورد زیارت امام حسین علیه السلام هست، چطور قابل توجیه است؟ این نیست مگر آن که خدای تبارک و تعالی آن قوه جعل و تشریع را (جعل به معنای واقعی و نه به معنای عرفی) در اختیار اینها قرار بدهد. اینها حتی می‌توانند جعل ثواب کنند، بگویند این کار اینقدر ثواب دارد و عرض کردم این شواهد زیادی دارد از جمله همین مسئله توبه.

ائمه(علیهم السلام) علاوه بر این که به فکر اعتقادات مردم بودند (این روایاتی است که در توحید صدوق و امثال ذلک وجود دارد)، اما عمده کار و محور کارشان بر تحکیم فقه و فقاهاست. یک بحثی را سال 87 یا 86 راجع به حرمان زوجه از عمار در یکی از ماه‌های رمضان انجام دادیم و کتابی منتشر کردیم. آن زمان به یکی از دوستان که می‌خواست به نجف اشرف مشرف شود گفتم سه نسخه را خدمت سه نفر از بزرگان مراجع نجف ببر، من کتاب را به ایشان داده بودم و برد، اما ذهنم از این قضیه غافل شد تا اینکه یک شبی خواب دیدم.

البته عرض کردم خیلی دأب من نقل خواب نیست و این خواب هم امروز یک بلایی شده برای دیانت مردم، اما این هم ان شاء الله جزء رؤیاهای صادقانه است. خواب دیدم که سه نفر از نجف از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام به منزل ما آمدند، یکی حضرت آیت الله العظمی آقای بهجت رضوان الله تعالی علیه بود و دو نفر دیگر را نشناختم چه کسانی بودند. آقای بهجت به من فرمودند: ما شنیدیم شما یک جزوه فقهی منتشر کردید و ما از طرف امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای تشکر از شما آمدیم. به من فرمودند آن جزوه را بدهید تا ببینم.

آن اتاقی که من بودم عذرخواهی کردم و گفتم این جزوه الان پیشم نیست بعداً خدمت شما می‌دهم، بلند شدم از یک گنج‌های وسائل پذیرایی خدمت ایشان بیاورم، در آن گنج را باز کردم دیدم اتفاقاً سه نسخه از این کتاب آنجاست و این را به آن سه نفر دادم. من دقت کردم ببینم ایشان چکار می‌کنند؟ اولاً دیدم تا کتاب را باز کرد دیدم عکس ایشان در همان صفحه اول کتابم چاپ شده و من در عالم رؤیا گفتم من که عکس ایشان را نزد چطور شد که عکس ایشان روی کتاب آمده؟!

غرض اصلی من این است که ایشان هر چه ورق زد دعا کرد، دعا کرد، که برای من خیلی لذت‌بخش بود، از خواب که بیدار شدم گفتم ببینید یک فرع فقهی، یک مسئله فقهی، چقدر مورد عنایت ائمه معصومین علیهم السلام خصوصاً امیرالمؤمنین علیه السلام است که این چنین از یک طلبه ناچیز ضعیف اینطور حاضرند تقدیر کنند. البته بحث حرمان زوجه از عمار ریشه‌اش در مصحف امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ چون در زمان ائمه (علیهم السلام) ایشان می‌فرمودند: ما یک حکم را به مردم می‌گوئیم از ما قبول نمی‌کنند، وقتی می‌گوئیم زن از عمار ارث نمی‌برد قبول نمی‌کنند، حالا یا امام باقر یا امام صادق علیه السلام است که به غلام‌شان فرمودند: برو مصحف جدمان را بیاور، مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام را آورد و به آن صحابی فرمود: «هذا والله خط جدی»، شاید یک جهتش همین بوده است.

غرض من از نقل این قضیه این است که اهتمام زیادی به فقه بدهید و توجهی به این حرفها نکنید و به این مسائلی که مطرح می‌کنند که فقه به چه درد جامعه می‌خورد! فقه با روح حرکت شخصی و اجتماعی بشر ارتباط دارد، قبلاً هم عرض کردم بدون فقاہت انسان نمی‌تواند به قرب خدا برسد، به معرفت خدایی برسد، یک حرف‌های باطلی که بعضی از افراد زدند که لازم نیست نماز بخوانیم، نماز برای قدیم بوده که آرام آرام ما را با خدا آشنا کند! اینها حرف‌های بسیار باطلی است. ما اصلاً یکی از دعاهايمان در لیالی قدر این است که خدایا عمر ما می‌گذرد و بلد نشدیم دو رکعت نماز درست و حسابی بخوانیم، این را به ما عنایت کن.

بعد از لیالی قدر باید نمازمان عوض شده باشد، عبادات بندگی ما یک روح دیگری پیدا کرده باشد، پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه وآله) برخی از نمازها مثل نماز شب تا آخر عمر برایش واجب بود، ائمه (علیهم السلام) این همه اهل نماز بودند تا لحظه آخر، امام حسین علیه السلام روز عاشورا چند ساعت مانده به شهادتش در کربلا نماز می‌خواند. ما از جهت معرفت به خدا ناخن ائمه (علیهم السلام) هم نیستیم حالا بگوئیم نماز بس است. تا نماز، روزه، حج و این همه مسائل اجتماعی هست که امروز به وجود می‌آید فقه هم زنده است، فقه همیشه زنده است حالا یک زمانی مخالف دارد و یک زمانی مدافع دارد.

به هر حال، توجه کنید راه را خیلی قوی‌تر و محکم‌تر از گذشته ببینید، حوزه‌های علمیه امروز که بحمد الله قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. من این را دارم با زبان روزه عرض می‌کنم، به آن وضع مطلوبی که مورد نظر امام خمینی (قدس سره) و رهبری معظم بوده نرسیدیم ولی همین وضع موجود قابل مقایسه نیست. در خیلی از علوم حوزه خیلی رشد کرده، امروز صداها درس تفسیر در حوزه وجود دارد قبل از انقلاب ما چند درس تفسیر در حوزه داشتیم؟! امروز صداها مرکز پژوهشی در ابعاد مختلف در حوزه وجود دارد، قبل از انقلاب اینها نبوده، کی این همه بحث‌های تخصصی در مباحث مختلف در حوزه بوده که امروز موجود است.

بنابراین با قدرت و قوّت و انگیزه بیشتر ان شاء الله باید در فقه و سایر علوم کار کنید. حالا ما یک مقداری در مورد فقه دنبال می‌کنیم و این مجموعه مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام) که به عنایت ائمه معصومین (علیهم السلام) رشد بسیار خوبی داشته، فضایی بسیار قوی و خوبی در این مرکز تربیت شدند ولی من به تک تک شما عرض می‌کنم برای فقه خیلی ارزش قائل باشید.

من یک وقتی این حدیث را برای برخی از دوستان در بحث می‌خواندم: «حدیث فی حلال و حرام خیر من الدنيا و ما فیها»^[1]، بگوئیم ائمه (علیهم السلام) مبالغه کردند؟ یک حدیث در حلال و حرام از دنیا و ما فیهای آن بهتر است، بگوئیم اینها مبالغه کردند؟! چه نیازی بود به مبالغه کردن؟ امیدواریم که ان شاء الله جزء مقدرات ما این باشد که حوزه در فقهت، در تفسیر، در اعتقادات، خیلی تعالی پیدا کند و بتوانیم پاسخگوی نیاز بشر باشیم و جوابگوی امام زمان علیه السلام باشیم.

خلاصه بحث گذشته

در بحث گذشته ادله کسانی ذکر شد که قائل‌اند به این که در رجوع حدّ ترخص نداریم، بلکه مسافر وقتی که برمی‌گردد در منزلش باید نماز را تمام بخواند و قبل از ورود به منزل، حتی داخل در شهر هم شده اما مادامی که داخل در منزل نشده باید نمازش را شکسته بخواند و وقتی وارد منزل شد باید نماز را تمام بخواند. در ادامه ابتدا کلام صاحب جواهر (قدس سره) و بعد کلام مرحوم بروجردی و محقق خوئی (قدس سره) را نقل خواهیم کرد.

دیدگاه صاحب جواهر (قدس سره)

مطلب اول: اولین مطلبی که صاحب جواهر به آن اشاره دارد آن است که می‌گوید: ما وقتی این دو فتوا را ملاحظه می‌کنیم، مشهور آن طرف قرار گرفته، مشهور قریب به اجماع، مشهوری که معتضد به آن دو دلیل است: (1) یک دلیل این بود که وقتی به حد ترخص می‌رسد صدق مسافر بر آن نمی‌کند، (2) دلیل دوم هم مسئله تنقیح مناط قطعی بود. صاحب جواهر تعبیر کرد: «للقطع» به اینکه همان ملاکی که در خروج هست همان ملاک هم در ایاب وجود دارد (یعنی تنقیح مناط قطعی). ایشان می‌فرماید: شهرتی که چنین مؤیداتی دارد «کادت أن تكون اجماعاً» و معتضد به این دو دلیل است.

این جزء روش‌های اجتهادی صاحب جواهر می‌شود. بزرگان ما مثل صاحب جواهر خیلی به شهرت فتوایی اهتمام داشتند و دارند. من یک وقتی در یکی از صحبت‌ها گفتم به نظر می‌رسد (این را باز باید یک تحقیق جامع‌تری انجام داد) یکی از موارد افتراق بین مکتب فقهی قم و نجف همین است. گفتم به نظر می‌رسد اعلام و ارکان قم مثل مرحوم حائری، بروجردی، داماد، امام، تا برسد به شاگردان ایشان مرحوم والد ما رضوان الله تعالی علیهم، نزدیک‌تر به فقه جواهری هستند تا اعلام و ارکان معاصر اینها در نجف، شاهدش هم در همین مسائل روشن می‌شود که ملاحظه خواهید فرمود.

صاحب جواهر (قدس سره) می‌گوید: این قول «مخالفٌ لأصول المذهب»؛ یعنی ایشان می‌گوید: «خُذ بما اشتهر بین اصحابک» از اصول مذهب ماست که مذهب امامیه در دوران بین دو فتوا که یک فتوایش مطابق با مشهور است (بلکه «کادت أن تكون اجماعاً») و یک فتوایش نادر است، اصلاً نمی‌آیند نادر را بگیرند، بلکه باید قول مشهور را اخذ کرد.^[2]

مطلب دوم: این روایاتی که صاحب حدائق و علم الهدی و مرحوم بحرانی و فیض کاشانی (قدس سرهم) به آن استدلال کردند قابل توجیه است به این که می‌توانیم بگوئیم بیت، شامل حدّ ترخص بیت هم بشود نه نفس آن بیت و منزلی که در آن سکونت دارد.^[3] در اینجا صاحب حدائق (قدس سره) می‌گوید: برخی این توجیه را کردند و این توجیه، توجیه بسیار بعیدی است.^[4]

مرحوم خوئی هم فرمودند این استبعادی که صاحب حدائق کرده استبعاد متینی است. ایشان می‌فرماید: «کیف يمكن المصير إلى الحمل المزبور مع فرض السائل في الصحيحة المذكورة (که مراد از صحیحه مذکوره همان صحیحه اسحاق بن عمار است) أن المسافر دخل الكوفة و لم يدخل أهله»^[15]؛ در آن روایت آمده که این مسافر داخل کوفه شده اما داخل خانه‌اش نشده است. امام (علیه السلام) می‌فرمایند: تا هنگامی که داخل خانه‌اش نشده باید نمازش را قصر بخواند، این فرمایش درست است و این جواب دومی که صاحب جواهر داد انصافاً توجیهی نیست. این توجیه در کلمات مرحوم بروجردی هم آمده که اینها را کنار می‌گذاریم، اما باید دید که با این روایات چکار کنیم؟

صاحب جواهر (قدس سره) در بیانی دیگر می‌گوید: صاحب وسائل (قدس سره) حمل بر تقیه کرده و مقدس بغدادی نیز همین را قائل است. مرحوم بروجردی هم همین را گفته، محقق خوئی هم یک چنین احتمالی دادند، اما با قطع نظر از حمل بر تقیه باید دید که آیا خود این روایات قابلیت توجیه را دارد یا نه؟

توجیه صاحب جواهر (قدس سره) در روایات قول غیرمشهور

صاحب جواهر تک تک این روایاتی که در این قول دوم به آن استدلال شده را توجیه کرده است.

توجیه روایت اول

ایشان می‌فرماید: در صحیح عیص بن القاسم امام صادق علیه السلام فرمود: «لا يزال المسافر مقصراً حتى يدخل بيته»^[16]؛ مسافر لایزال نمازش را قصر می‌خواند تا داخل در بیتش شود. صاحب جواهر یک عبارتی دارد که یک مقدار فهمش نیاز به تأمل دارد. می‌فرماید این صحیح «مساقٍ لبيان أن العبرة في القصر و الاتمام حال أداء الصلاة»؛ این روایت می‌خواهد بگوید معیار در قصر و اتمام در این وقتی است که انسان می‌خواهد نماز بخواند نه در وقت دخول.

به بیان دیگر، ایشان می‌فرماید: ملاک در قصر و اتمام حال أداء صلاة است نه حال دخول الوقت، دخول وقت در مقابل أداء صلاة چیست؟ روایت فعلیت أداء صلاة را می‌گوید که بالاخره کسی که وارد شهرش می‌شود چه زمانی نماز می‌خواند؟ وقتی که در خانه هست نمازش را می‌خواند، کسی که وارد شهر می‌شود نمی‌ایستد کنار خیابان نماز بخواند! این توجیه می‌کند. فهم عبارت و خود عبارت را معنا کردن، به نظر من همین است. لذا به نظر می‌رسد عبارت صاحب جواهر به این معناست که «حتی يدخل بيته»؛ یعنی وقتی به بیتش برسد شروع می‌کند به نماز و آنجا نمازش تمام است.

روایت نمی‌خواهد بگوید مسافر در چه مرزی و در چه زمانی این قصر تبدیل به اتمام می‌شود، بلکه «لا يزال المسافر مقصراً»، مسافر تا مادامی که مسافر است مقصر است نمازش را قصر می‌خواند، بعد که داخل بیتش می‌شود نمازش را تمام می‌خواند، ایشان چنین توجیهی می‌کند.

توجیه روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أَهْلُ مَكَّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ وَ دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ أَتَمُّوا وَإِذَا لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصَرُوا.^[17]

صاحب جواهر (قدس سره) در توجیه این روایت می‌فرماید: این روایت، مجمل الدلالة است عند التأمل؛ یعنی باز دلالت روشنی بر این ندارد که در خصوص خانه باید نمازشان را تمام بخوانند، اما بیرون خانه که هنوز وارد خانه نشده باید نمازشان را شکسته

بخوانند، این بیان چه می‌شود؟ وجه اجمال که در ذهن صاحب جواهر است چیست؟

به نظر می‌رسد که وجه اجمال این است که عبارت «دخلوا منازلهم» کنایه از این است که دوباره به منا برگردند؛ یعنی مستقر بشوند و بخواهند بمانند. «دخلوا منازلهم» یعنی اینها بگویند ما دیگر منا نمی‌رویم، حالا یا عذری دارند بالأخره هر طوری هست یا اعمال منا را انجام دادند، اما اگر به مکه بیایند و بیت را زیارت کنند و اعمال مکه را انجام بدهند و دوباره به مکه برگردند می‌فرمایند اینجا قصر است. این احتمال در ذهن شریف صاحب جواهر (قدس سره) بوده که این «دخلوا منازلهم» موضوعیتی برای بیت نیست، بلکه کنایه از استقرار در مکه است.^[8]

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

- [1] □ «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارِ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَحَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ.» المحاسن (للبرقي)؛ ج 1، ص 229، ح 166.
- [2] □ «لكنك خبير بأن ذلك كله في مقابلة الترجيح بالشهرة مخالف لأصول المذهب خصوصا مثل هذه الشهرة التي قيل إنها كادت تكون إجماعاً، و خصوصاً بعد اعتضادها بما سمعت.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج 14، ص: 302.
- [3] □ «و خصوصاً بعد إمكان المناقشة في دلالة الأخبار المزبورة بإرادة ما يشمل محل الترخص من البيت و المنزل فيها، إذ إرادة المنزل حقيقة حتى أنه لو دخل المصر لا يتم بعيدة جداً.» همان.
- [4] □ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج 11، ص: 413.
- [5] □ «و ذكر (قدس سره) أنّ الشهيد في الروض تبعاً للعلامة في المختلف و كذلك الشيخ حمل هذه الروايات على دخول حدّ الترخص، باعتبار أنّ من وصل إلى هذا الموضع يخرج من حكم المسافر فيكون بمنزلة من يصل إلى منزله. و استبعده (قدس سره) بمخالفته لما هو المصرّح به في بعض هذه النصوص من وجوب التقصير حتى بعد دخول البلد، و أنّه لا يتم حتى يدخل أهله و منزله كما في صحيحة إسحاق بن عمار و غيرها. و ما أفاده (قدس سره) من الاستبعاد متين جداً، و كيف يمكن المصير إلى الحمل المزبور مع فرض السائل في الصحيحة المذكورة أنّ المسافر دخل الكوفة و لم يدخل أهله، و حكمه (عليه السلام) بالتقصير حتى يدخل أهله.» موسوعة الإمام الخوئي؛ ج 20، ص: 202.
- [6] □ «و عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْعِيسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَزَالُ الْمُسَافِرُ مُقْصِرًا حَتَّى يَدْخُلَ بَيْتَهُ» التهذيب 3- 222- 556، و الاستبصار 1- 242- 864؛ وسائل الشيعة؛ ج 8، ص: 475، ح 11207- 4.
- [7] □ الكافي 4- 518- 1؛ وسائل الشيعة؛ ج 8، ص: 474، ح 11204- 1.
- [8] □ «مع أنّ الصحيح الأول مساق لبيان أن العبرة في القصر و الإتمام حال أداء الصلاة لا دخول الوقت كما لا يخفى على من لاحظته، و الآخر مجمل الدلالة عند التأمل.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج 14، ص: 302.